



عکس: بهنام مؤذن

بهنام مؤذن

هستند، لزوما وارد دانشگاه نمی‌شوند، می‌شود یک‌جوری در مورد آمار ۳ درصدی بالنصاف نگاه کرد.

البته غیر از این، دبیر ستاد مبارزه با استعمال دخانیات هم اعلام کرده که ۵ تا ۷ درصد دانشجویان سال‌های اول تا آخر دانشگاه سیگاری هستند و این آمار هر چه از سال اول دورتر شده و به سال‌های تابناک فارغ‌التحصیلی نزدیک می‌شوند، افزایش می‌یابد. بیشترین دلیل این افزایش هم تاثیر گذاری بیشتر همسالان، دوری از خانواده‌ها و فقدان کنترل در آنها گزارش شده است که البته با عقل هم جور درمی‌آید. ضمنا ۵ تا ۷ درصد را هم هر کاری کنسی از «کمتر از ۳ درصد» خیلی بیشتر است.

در کنار همه اینها تحقیقات دیگری هم هست که بعضی از آنها جالب‌تر از بقیه‌اند؛ مثل اینکه افزایش دانشجویان سیگاری در بین پزشکی‌ها و هنری‌ها به‌مراتب بیشتر از بقیه است. نکته جالب قضیه هم این است که پزشکی‌ها با توجه به رشته‌شان آنچه می‌بینند «پیچش مو» است و هنری‌ها هم که طبعاً «روح لطیفی» دارند. در مورد هنری‌ها آمار ریزتری هم وجود دارد که می‌گوید: «در یک محفل هنری از بین ۶ دختر زیر ۲۵ سال یک نفر تجربه سیگار کشیدن داشته است». حالا با این اوصاف به نظر تان تطبیق این آمارها با آمار وزارت علوم و پیدا کردن پرتقال فروش کار ساده‌ای است؟ این طوری که نه می‌شود قسم «به جان مادرم» را نشنیده گرفت و نه «دم خروس» را ندیده! البته غیر از ردیف کردن این آمارها به روش‌های دیگری هم می‌شود به این نتیجه رسید که این آمارها در نهایت لطافت و مهربانی گرفته شده‌اند. روش‌هایی مثل درنظر گرفتن جو عمومی جامعه که حکایت از افزایش روزافزون استعمال سیگار در میان دانشجویان دارد و مسؤولان را به فکر مقابله با این رشد انداخته و باز کردن کامل چشم‌ها و دیدن راه‌های مقابله‌ای که از ممنوعیت فروش و استعمال شروع می‌شوند تا گنجاندن ۲ واحد درسی «سیگار نکشید»(!) برای همه رشته‌ها که به نظر می‌رسد همه این کارها برای ۲ درصد ناقابل دانشجویی سیگاری نباشد و قصه همان باشد که هست؛ «قصه شیوع».



در کشور ما هم مثل تمام کشورهای دنیا کارهای نمادینی برای ریشه کن کردن دخانیات و استعمال آن انجام می‌شود مثل همین چال کردن یک سیگار عظیم‌الجثه زیر خاک. اما این کارها چقدر نتیجه خواهد داد معلوم نیست

یک روان‌شناس می‌گوید «۴۰درصد دانشجویان سیگار می‌کشند»

راه نجات: افزایش مهارت‌های اجتماعی

دکتر محمدرضا جلالی*

بررسی‌ای که داشتیم دیدیم متأسفانه ۴۰درصد دانشجویان سیگار می‌کشند و ۱۰ درصد هم قبول کردند که تریاک مصرف می‌کنند. حتی تحقیقات ما نشان داد بعضی از دانشجویان مشروبات الکلی هم مصرف می‌کنند.

این آمار خطرناک است و من از همه دعوت می‌کنم که بیایند کار کنند و با پرورش این موضوعات در جوانان جلوی این امر را بگیرند؛ چون بازدارنده‌های حقوقی و انضباطی چندین سال است که نتوانسته مانع باشد و لازم است که از این پس قلمروهای اجتماعی افزایش یابند. به طوری که ما به جوانان و نوجوانان هنر نه گفتن و با قاطعیت مخالفت کردن را یاد بدهیم و آنها را به دوره‌های آموزشی مهارت‌های اجتماعی و خویشن‌داری بفرستیم تا خودشان بتوانند در شرایط مختلف رفتارهایشان را کنترل کنند.

«عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی» «قزوین

بنو بسیم تکسیم، بخوانیم تکسیم

از قدیم گفته‌اند سری را که درد نمی‌کشد، دستمال نمی‌بندند. به همین ترتیب دانشجویی را هم که سیگار نمی‌کشند یا به قیافه‌اش نمی‌خورد که در سال‌های حضورش در دانشگاه سیگاری شود به زور سر کلاس «تکش جانم» نمی‌نشانند. اما به خاطر همان شیوعی که اصلا ربطی به آن «کمتر از ۳ درصد» ندارد، روسای ۴۹ دانشگاه علوم پزشکی سراسر کشور دور هم جمع شدند و فکرهایشان را ریختند روی هم و برای اینکه شروع به حد همین «کمتر از ۳ درصد» بماند، قرار گذاشتند که یک واحد درسی آموزشی در زمینه‌های مربوط به استعمال دخانیات در

ترم اول یا دوم تمام رشته‌های دانشگاهی برای دانشجویان

دختر و پسر گنجانده شود. حالا غیر از تولد میمون این واحد درسی، ممنوعیت فروش سیگار در بوفه دانشگاه‌ها، ممنوعیت استعمال سیگار در محوطه دانشگاه و ممنوعیت سفت و سخت به مشام رسیدن بوی سیگار در خوابگاه‌ها هم از قوانینی هستند که وضع شده‌اند تا به کنترل این رشد کمک کنند؛ ممنوعیت‌هایی که اعمال آنها گاهی حسابی صدای آن ۳ درصد را درآورده و گاهی زور آن ۳ درصد آن قدر زیاد شده که عملا همه بی‌خیال اجرای آن قوانین شده‌اند و کم و زیاد به دست پرهم تاریخ سپرده شده‌اند؛ مثل قانون‌های خوابگاه‌ها.

خوابگاه یا دود گاه؟

می‌گویند قانون‌ها وضع می‌شوند و قول و قرارها گذاشته می‌شوند تا بشر در مواقع مختلف چیزی داشته باشد که زیر آن بزند و حالش را ببرد. قانون ممنوعیت سیگار کشیدن در خوابگاه‌های دانشجویی هم از قوانینی هستند که انگار وضع شده‌اند تا دانشجویها در شب‌های کشدار و تمام نشدنی خوابگاه چیزی داشته باشند که با غلنگک از رویش رد شوند. محمدرضا، دانشجوی سال دوم پژوهشگری است و مثل ما می‌داند که

کشیدن سیگار در خوابگاه آزاد نیست؛ اما هر کسی می‌خواهد آزادانه سیگار می‌کشد، البته این هر کسی، آن قدر هم کم نیست که مثل چشم گاو باشد؛ «من می‌گویم از هر ۳ نفر یا ۴ نفر، یکی سیگار می‌کشد. البته شاید وضعیت هم خوابگاه‌های من این‌طور باشد. اما شواهد نشان می‌دهد همه جا همین‌طور است و در خوابگاه ما اتفاق عجیبی نیفتاده.

سیگار است دیگر؛ یک سر گرمی کوچولو و قلمی!». رضا هم دانشجوی سال آخر فیزیک هسته‌ای است و از ۶ ماه بعد از ورودش به دانشگاه شروع به سیگار کشیدن کرده. برای رضا هم سیگار کشیدن طبیعی‌تر از آن است که بشود درباره‌اش صحبت کرد. سیگار کشیدن دانشجویها که دیگر بماند؛ «الان دیگر کسی به دانشجویی سیگاری چپ‌چپ نگاه نمی‌کند. یک سری به بوفه دانشگاه‌ها بزنید. این همه سیگار را برای چه کسی آنجا گذاشته‌اند؟ دانشجویهای غیر سیگاری؟».

مصطفی، ۲۴ ساله و دانشجوی سال سوم نرم‌افزار است؛ عصبانی‌تر از آن است که جواب سوال‌مان را بدهد؛ «من چه می‌دانم؟ دانشجویهاهم مثل بقیه بعضی‌هامی‌کشند.

بعضی‌ها هم نه». البته عصبانیت مصطفی بیشتر به خاطر این است که زیر نظرمان گرفته و دیده که فقط از پرسرها سوال می‌کنیم؛ «چرا نمی‌روید از دخترها بپرسید؟ به نظر من اگر آماری در حال بالا رفتن است به خاطر گرایش دخترها به سیگار کشیدن است که هر روز بیشتر می‌شود. خیلی از این دخترها سیگار می‌کشند، وضعیت خوابگاه‌هایشان هم زیاد با وضعیت خوابگاه پسران فرقی ندارد. حالا ۲ نفر کمتر، یک نفر بیشتر».

وقتی به مصطفی می‌گوییم درباره آمار منتشر شده از سوی وزارت علوم که می‌گوید کمتر از ۳ درصد از دانشجویان سیگار می‌کشند، چه نظری دارد؛ چشم‌هایش را تنگ می‌کند و می‌گوید: «چی گفتی؟!» و ما می‌گوییم: «همین که شفتی!».

همشهری جوان

شماره ۲۱۹ ● تیر ۸۸

منتشر نکردن آمار‌های صحیح

می‌تواند مشکلی را حل کند؟

هشدار ی به نام حقیقت

آمارهایی که در این گزارش خواندید، یک از هزار نباشد، یک از صد هست؛ باور کنید. هر جایی برای خودش برداشته مثل نقل و نبات آماری منتشر کرده. در همه این آمارها هم دانشجویها به نحوی سینه‌خیز برده شده‌اند؛ حالا از ۳ درصد بگیر تا ۲۸درصد. این طوری است که هر کسی با شنیدن این همه آمار ضد و نقیض بی‌خیال کشف واقعیت می‌شود و قدرت استدلال خودش را به این آمارها ترجیح می‌دهد. محمدرضا طالب‌نژاد– پژوهشگر اجتماعی– در این باره برای ما توضیحاتی داده که خواندنی است.

آمار و ارقام دلایل و استدلالاتی هستند برای بیان بعضی واقعیت‌های جامعه که گاهی ممکن است متناسب با خواست مسؤولان و برنامه‌ریزان یک حوزه خاص نباشند اما به هر حال به عنوان واقعیت وجود خارجی دارند و نمی‌شود به این سادگی‌ها آنها را ندیده گرفت.

حالا در بحث آسیب‌های اجتماعی و مقابله با آنها، اولین پیش‌نیاز، داشتن اطلاعات صحیح است. اگر اطلاعات صحیح نباشند و آمار که یک امر شناخته شده و مقبول در دنیای امروز است، تحریف شود، دیگر نمی‌شود امید چندانی به حل مضلات ریز و درشت داشت. به زبانی دیگر، بالا و پایین بردن آمار– آن هم در رابطه با آسیب‌های اجتماعی– فقط پاک کردن صورت مساله است؛ انگار که چشم‌هایمان را بسته باشیم و نبینیم و البته روزی که چشم‌هایمان را باز کنیم، می‌بینیم که عمق فاجعه به مراتب بیشتر شده و حل و فصل آن سخت‌تر.

در رابطه با آمارهایی هم که از افزایش میل به سیگار کشیدن در جوانان دانشجو منتشر شده، از آنجایی که دانشگاه هم تابعی از شرایط جامعه است، وقتی این آمار در متن جامعه بیشتر شده باشد، در دانشگاه هم بیشتر شده و بر عکس.

البته درخصوص افزایش گرایش به سیگار که مشخص است این سال‌ها خیلی زیاد شده، نه باید

سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی کرد و نه پنهان کاری. قبول کنیم گاهی هیچ چیز بهتر از انعکاس حقیقت نیست، حتی اگر به مذاق ما زیاد خوش نیاید. در خیلی از موارد وقتی حقیقت را به صورت کامل و بدون پس و پیش منتشر کنیم، می‌توانیم تاثیر گذاری بیشتری داشته باشیم و همین حقیقت می‌تواند در مقام یک هشدار جدی عمل کند. درباره آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد دانشجویان به سیگار هم باید به آمار دقیق و درست برسیم. حقیقت بهترین هشدار است؛ باور کنید.